

اشتغال زنان در کسب و کارهای کوچک و نقش آن در توسعه اقتصادی روستاها

خدیجه بوذرجمهری، نسیمه قنبری

۱- دانشیار رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

azar1334@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

nasibehghanbari1364@yahoo.com

چکیده

زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و از قرن های بسیار دور نقشی کلیدی را در جوامع شان بازی می کردند. از جمله از قرن ها پیش بهره برداری از باغ ها و زراعات در سطح کوچک یکی از مشاغل مورد توجه زنان بود که نقش مهمی را در اقتصاد خانواده بازی می کرد. امروزه روستاها محیط مناسبی برای رشد بخش های غیر کشاورزی و فعالیت شرکت های تولیدی و خدماتی شناخته شده است. این موضوع در واقع نوعی حرکت از کسب و کارهای مبتنی بر منابع طبیعی به سمت کسب و کارهای مبتنی بر دانش و مشاغل زود بازده است. از دیدگاه صاحب نظران توسعه روستایی، ساماندهی کسب و کارهای کوچک و زود بازده راهبردی برای توانمندسازی روستاییان به ویژه زنان فقیر است. در این مقاله که با هدف بررسی اشتغال زنان در کسب و کارهای کوچک و نقش آن در توسعه اقتصادی روستاها می باشد، سعی شده است با بررسی ضرورت توسعه کسب و کارهای کوچک روستایی و جایگاه زنان در آن به اهمیت این موضوع پی برده شود که طی مطالعات مشخص شده در ایران نیز با هدف توسعه اقتصادی تاکنون صدها کسب و کار کوچک به دست زنان راه اندازی شده است. که این امر با افزایش فرصت های شغلی برای زنان در خارج از خانواده عموماً از نظر توسعه اقتصادی نقطه مثبتی تلقی می شود؛ زیرا درآمد ناشی از اشتغال و دریافت دستمزد استانداردهای زندگی فرد شاغل را افزایش می دهد. در نهایت نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از مجموع زنان ایران، زنان روستایی نخستین گروهی هستند که از کسب و کارهای کوچک استقبال کرده اند.

واژگان کلیدی: زنان، کسب و کارهای کوچک، اقتصاد، توسعه روستایی

مقدمه

تحولات پیچیده و سریع چند دهه اخیر و نیز شتاب گیری روند جهانی شدن موجب شده است تا جوامع گوناگون تلاش کنند تا بیش از پیش خود را برای پذیرش تحول آماده کنند (رائو و آردی، ۱۳۶۶). آنچه که تا چند دهه پیش به عنوان یک امتیاز اقتصادی تلقی می شد، عبارت بود از برپایی و فعال نگهداشتن شرکت‌های بزرگ و چنین استدلال می شد که هر چه این شرکتها بزرگتر باشند، اقتصاد پویاتر و قدرتمند تر می گردد. اگر چه این تفکر طی چندین دهه رونق گرفت و بر پایه آن شرکت‌های غول پیکری هم پدیدار شدند، ولی تحولات اخیر و بویژه فشارهای جمعیتی، نوآوریهای لحظه به لحظه، پیچیده تر شدن فرآیند های مدیریتی و تصمیم گیری، نیاز به تصمیم گیریهای آنی و تجارت حاصل از فعالیت کسب و کارهای کوچک و متوسط، اهمیت نگاههای کوچک را نمایان ساخته است (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰).

کسب و کار کوچک (*SEs*) بنا به تعریف کسب و کاری است که اغلب متعلق به بخش خصوصی است و تعداد کارمندان آن محدود و فروش تولیدات آن تقریباً اندک است. مفهوم کوچک در این تعریف متغیر و به نوع فعالیت یا کشور مورد بررسی بستگی دارد. انستیتو تکنولوژی جورجیا در بررسی خود در ۵۷ کشور به پنجاه تعریف مختلف دست یافته است (طاهرخانی، ۱۳۸۰). این رقم کمتر از ۸ نفر در کشور چین (*Mohapatre & et al, 2007*) تا ۵۰۰ نفر شاغل در کشور آمریکا متغیر است (*SBA, 2012*). در آلمان، کسب و کارهای کمتر از ۱۵ نفر پرسنل کوچک محسوب می شوند. در ایران نیز کسب و کارهایی که تعداد ۹ نفر یا کمتر نیروی انسانی دارند کسب و کار کوچک تلقی می شوند؛ البته در تعریف مشاغل کوچک علاوه بر تعداد کارکنان شاخص های دیگری چون فروش سالانه گردش مالی، ارزش دارایی و سود خالص ترازنامه و به ویژه حجم سرمایه گذاری اهمیت بسیار دارد (کلانتری، ۱۳۷۸). صنعتی شدن از طریق صنایع کوچک مقیاس در مراحل مقدماتی می تواند به عنوان ابزاری برای اصلاح شرایط کار و استانداردهای زندگی در جهت مقابله با فقر در ابعاد جهانی موثر باشد و در شکل و اندازه های ملی نیز به عنوان ابزاری برای تولید بیشتر با استفاده از فناوری روز مطرح باشد (طاهر خانی، ۱۳۸۰).

براساس مطالعات انجام شده، این گونه کسب و کارها توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای مشتری را دارند (*Jones and Macpherson, 2006*). و به آسانی می توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند. در واقع، آن ها رفتاری پویا در مواجه شدن با شرایط متغیر محیطی دارند (*Sarosa, 2007*). می توان گفت مشاغل خرد تقاضا محورند و خود را با نیاز مخاطب هماهنگ می کنند. علاوه بر سازگاری با شرایط خارجی متناسب با شرایط مخاطب، مشاغل کوچک قادرند روش ها و مکانیزم تولید، بازاریابی و فعالیت های خود را به سرعت تغییر دهند. بخشی از توانایی های مشاغل خرد در مواجه شدن با محیط و سازگار کردن فرایندهای داخلی ارتباط با مدیران این واحدهاست. بسیاری از این مشاغل را کارآفرینان مدیریت می کنند. آن ها توانایی خلق و بهره گیری از ایده های جدید را دارند و می توانند خود را با شرایط محیطی سازگار کنند (*Hung & et al, 2007*). ارزیابی اقتصادی کسب و کارهای کوچک نشان می دهد این مشاغل توجیه اقتصادی قابل قبولی دارند. بر اساس برخی مطالعات، آن ها می توانند درآمد روستاییان را تا ۵۷ درصد افزایش دهند (*Haggblade & et al., 2009*).

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

افزایش فرصت های شغلی برای زنان در خارج از خانواده عموماً از نظر توسعه اقتصادی نقطه مثبتی تلقی می شود؛ زیرا درآمد ناشی از اشتغال و دریافت دستمزد استانداردهای زندگی فرد شاغل را افزایش می دهد از مجموع زنان ایران، زنان روستایی نخستین گروهی هستند که از کسب و کارهای کوچک استقبال کرده اند. از این مجموعه نیز زنان سرپرست خانوار میل بیشتری به ایجاد کسب و کار دارند. این گروه بیش از سایر زنان با مشکل اقتصادی روبه رو هستند و بنابراین گرایش بیشتری به فعالیت های اقتصادی در سطح خرد برای تأمین نیازهای اولیه خود دارند (ریزوانول، ۱۹۸۷). بر این اساس بایستی برای ایجاد شغل و ایجاد کسب و کارهای کوچک برای زنان روستایی، ضمن شناخت همه جانبه محیط روستا و شناخت ویژگیهای اجتماعی جامعه روستایی و استلزامات توسعه در محیط روستا به دنبال پاسخی برای سوالات ذیل باشیم:

- ۱- زمینه های تحقق و توسعه کسب و کارهای کوچک در محیط روستاها چه عواملی هستند؟
- ۲- کدام مولفه ها در جذب زنان به کسب و کارهای کوچک و رشد اقتصادی آن موثر است؟

پیشینه تحقیق

کانت (Chant)، طی تحقیقی با عنوان سهم زنان روستایی در نیروی کار کشورهای جهان سوم سهم زنان روستایی را در نیروی کار به دلیل ساختار تولید و روابط کار بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان در کشورهای توسعه نیافته است.

هولتوم (Holtom)، طی تحقیقی با عنوان نقش و میزان فعالیت زنان روستایی در مشاغل رسمی و اداری گزارش کرد که زنان روستایی کمتر به مشاغل رسمی و اداری وارد می شوند و این امر ریشه در کمی تحصیلات و مسائل قومی و فرهنگی دارد.

مرادی (۱۳۹۰) موضوع نقش زنان در ایران ویژه مناطق روستایی را بررسی نمود و نتیجه گرفت که از یک سو با محدودیت امکانات و منابع تولیدی و از سوی دیگر با رشد سریع جمعیت و انبوه بیکاران در فرآیند دستیابی به رشد و توسعه روستایی مواجه می باشد به طور کلی توسعه فرآیندی است چند بعدی و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که مشارکت زنان روستایی در این فرآیند مشارکتی فعالانه و تأثیر گذار بوده است و مهم ترین جنبه این مشارکت تا کنون بعد اقتصادی آن برای زنان روستایی بوده است. با توجه به نتایج تحقیقات این محقق، امروزه در اهداف توسعه روستایی، گروههای خاص روستایی، از جمله زنان به دلیل ویژگیهای خاص خود در مرکز توجه قرار گرفته اند.

فال سلیمان و قاسمی (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان بررسی و واکاوی نقش زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: بخش باجگیران قوچان)، با هدف بررسی اثرات اشتغال زنان روستایی بخش باجگیران شهرستان قوچان بر روی درآمد و اقتصاد خانوارها نمایانند جنبه های پنهان اشتغال آنان بررسی نمودند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل های آماری نمایانگر وجود همبستگی مثبت و معنادار بین اشتغال زنان و افزایش درآمد خانوار، اشتغال زنان با میزان خوداتکایی اقتصادی خانوار، اشتغال زنان و ویژگیهای فردی و اجتماعی، و هم چنین نمایانگر حضور بیشتر زنان در بخش کشاورزی نسبت به سایر

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

بخش‌ها است. که نشان دهنده توجه جدی و اهمیت بیشتر به زنان در برنامه ریزی و تجدید نظر در ارائه آمار مربوط به اشتغال و مشارکت زنان روستایی است.

سعدی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان نقش کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار روستایی در استان همدان را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با افزایش خط فقر توانایی زنان سرپرست خانوار در تأمین نیازهای اساسی با شیب تندی کاهش می‌یابد. با توجه به نتایج تحقیق توصیه‌هایی از جمله؛ شناسایی و معرفی کسب و کارهای پر درآمد، آموزش زنان سرپرست خانوار در مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، کنترل نرخ تورم و پایین آوردن خط فقر توانایی زنان سرپرست خانوار در مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، کنترل نرخ تورم و پایین آوردن خط فقر در جامعه روستایی و در نهایت جبران منابع مالی زنان سرپرست خانوار تا حد خط فقر از جمله پیشنهادها برای این تحقیق است.

چارچوب نظری تحقیق

توسعه کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند رشد اقتصادی را در روستاهای کشور تضمین کرده و فقر را ریشه کن سازد و توجه به سایر بخش‌ها نیز در کنار بخش کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این نکته، تاکنون برنامه‌های متعددی با هدف توسعه روستایی در کشور به اجرا در آمده است ولی همچنان پدیده مهاجرت از روستا به شهر و فقر و مشکلات روستائیان ادامه دارد و تعدادی از روستاهایی که نزدیک شهرهای بزرگ قرار دارند، نیز رشد کرده و تبدیل به شهر شده‌اند. بدین ترتیب جمعیت روستائیان روز به روز کاهش می‌یابد و با کاهش جمعیت، از میزان تقاضا برای کالاها و خدمات نیز کاسته می‌شود. این امر رکود اقتصادی را در روستاها به دنبال دارد. از چند سده اخیر و با رشد پر شتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است. از آن جایکه عموماً روستائیان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارائه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم بودن بهره‌وری)، محدودیت منابع اراضی (در مقابل رشد جمعیت)، و عدم مدیریت صحیح مسئولان بوده است. به همین جهت، برای رفع شدید مناطق روستایی، ارتقای سطح و کیفیت زندگی روستائیان، ایجاد اشتغال و بهره‌وری آنان، تمهید «توسعه روستایی» متولد گردید. و سیاست‌ها و استراتژی‌های گوناگونی برای توسعه روستاها پیشنهاد و اجرا گردید در این بین اشتغال در کسب و کارهای کوچک نیز به عنوان یک راهکار جهت توسعه روستایی در بسیاری از کشورها من جمله ایران به اجرا درآمد (میرزا امینی، ۱۳۸۲). مسائل و مشکلات نواحی روستایی ضرورت توسعه روستایی را ایجاد می‌نماید مشکلات و مسائل جامعه روستایی کشور بسیار زیاد می‌باشد و هر ناحیه روستایی مسائل و مشکلات خاص خودش را دارد با وجود این نواحی روستایی کشور در مجموع با مسائل و مشکلاتی مواجهند که بصورت مشترک می‌باشد این مسائل عبارتند از: ۱- فقر گسترده در نواحی روستایی ۲- نابرابری در درون جامعه روستایی ۳- مهاجرت‌های روستایی ۴- تخلیه روستاها در اثر تشدید و تداوم مهاجرت‌ها ۵- آسیب پذیری محیطی روستاها در برابر سوانح و مخاطرات طبیعی ۶- بیکاری و مساله اشتغال در نواحی روستایی ۷- محرومیت در

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

جوامع روستایی بخصوص پایین بودن سطح رفاه اجتماعی ۸- نابسامانی در نظام استقرار در روستاها (رضوانی، ۱۳۸۳). ایجاد کسب و کارهای کوچک تنها استراتژی مناسب برای توسعه اقتصادی روستاها نیست، اما نسبت به سایر استراتژی ها هزینه کمتری دارد و برای محیط روستایی مناسب تر است. با توسعه کارآفرینی و ایجاد شرکتهای کوچک کارآفرین، روستاییان به کالاها و خدمات مورد نیاز خود دست می یابند و این امر اثر زیادی در رشد اقتصادی روستاها و کاهش پدیده مهاجرت به شهرها دارد. روستاها نیز همچون شهرها، مملو از فرصتهای جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره برداری به موقع از این فرصتها و ایجاد کسب و کارهای جدید و رقابت پذیر بر مبنای آن، می تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستاییان به همراه آورد (سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان، ۱۳۸۰). از سویی کسب و کارهای کوچک به ویژه در جوامع کوچک و توسعه نیافته بیشتر با استقبال زنان روبه رو شده است (Chun, 1998).

کسب و کارهای کوچک و انواع آن

بررسی روند تاریخی گسترش صنایع کوچک و متوسط نشان می دهد که از آغاز انقلاب صنعتی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، تغییرات در فناوری تولید صنعتی به تشکیل کسب و کارهای بزرگ منتهی شد. اما از این تاریخ به بعد و بنا به تغییر در نظام اقتصادی و فرآیندهای تولید، تولید انبوه به سمت تولید مبتنی بر تخصص گرایی انعطاف پذیر پیش رفت و نتیجه چنین تغییراتی، انتقال فعالیتهای اقتصادی از صنایع بزرگ به صنایع کوچک و گسترش بنگاههای کوچک و متوسط در عرصه اقتصاد صنعتی بود. اخیراً بسیاری از کشورهای جهان به این امر پی برده اند که واحدهای تولیدی کوچک قادرند نقش عمده ای در اقتصاد ملی ایفا کنند. کسب و کارهای کوچک و متوسط به طور چشمگیری بخش مهمی از توسعه اقتصادی کشورها را به خود اختصاص داده اند که منجر به کسب سهم قابل توجهی از اقتصاد ملی سراسر جهان می شود (پاول،

ویتام و وایپر، ۲۰۰۷؛ کارپاک و توپکو، ۲۰۱۰) وجود چالش های محیطی و تغییر در فرآیندهای مدیریتی نیز نقش این موسسات را برجسته تر ساخته است و سیاست های کوچک سازی، برون سپاری فعالیتها، تجدید ساختار، مهندسی مجدد و به ویژه ترغیب کارآفرینی در عصر جهانی شدن، سرعت بخشیدن به ایجاد موسسات کارآفرینانه کوچک و متوسط را نهادینه ساخته است (رایینز و استفان، ۱۹۹۷).

انواع گوناگون کسب و کارهای کوچک و متوسط می توانند منجر به رشد فعالیت های کارآفرینانه و همچنین اشتغال زایی شوند. کسب و کارهای کوچک و متوسط از ۵۵ تا ۹۹ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف را بر عهده دارند و در عین حال بیش از ۵۰ درصد نیروی کار توسط این دسته از شرکت ها به خدمت گرفته شده است (کیناک، تاتوگلف و کولا، ۲۰۰۵). علیدوستی (۱۳۸۹) گزارش می دهد که در اروپا ۱۹ میلیون شرکت کوچک و متوسط وجود دارد که در بیش تر کشورها، بیش از ۹۹ درصد کل شرکت ها را تشکیل می دهند.

در اقتصاد ایران نیز جایگاه این شرکت ها با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، تصویب قانون و مقررات حمایتی به منظور تقویت زیر ساخت ها و ایجاد نهادهای حمایتگر، مستحکم تر شده است و فضا برای فعالیت تجاری کارآفرینان و صاحبان حرفه های

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

تولیدی و در نهایت توسعه صادرات غیر نفتی مساعدتر خواهد گردید (رحمان سرشت و کاظمی، به نقل از علیدوستی ۱۳۸۹)، سازمان صنایع کوچک ایران در سال ۱۳۸۴ این آمار را در خصوص شرکت‌ها ارائه داده است: در سال ۱۳۸۴، تعداد واحد‌های فعال زیر پوشش وزارت صنایع و معادن با تعداد کارکنان کمتر از ۵۰ نفر ۶۴۴۲۵ واحد (۹۳ درصد)، بین ۵۰ تا ۲۰۰ نفر ۴۰۱۵ واحد (۶ درصد)، و بیش از ۲۰۰ نفر تنها ۱۰۲۱ واحد (یک درصد) بوده‌اند. این واحد‌ها به ترتیب اشتغال این واحد‌ها به ترتیب اشتغال ۷۸۲۰۸۴ (۴۶ درصد)، ۳۵۲۴۰۲ (۲۰ درصد)، و ۵۸۲۳۱۱ نفر (۳۴ درصد) را فراهم می‌کردند.

ادبیات مربوط به کسب و کارهای کوچک، بسیار گسترده است و این گستردگی نیز باعث شده است که در کشورهای مختلف تعاریف گوناگونی برای این دسته از بنگاه‌های اقتصادی ارائه شود. هر کشور با توجه به شرایط ویژه خود تعریفی از این کسب و کارها ارائه داده است. بیشتر این تعاریف‌ها بر اساس معیارهای کمی، مانند تعداد کارکنان و میزان گردش مالی مطرح شده‌اند (ملکی نژاد، ۱۳۸۵). مریدت (۱۹۹۴) بیان می‌دارد که هر تعریفی از کسب و کارهای کوچک باید هم مولفه‌های کمی را شامل بشود؛ مولفه‌هایی مانند تعداد کارمندان، گردش مالی، میزان سرمایه و مقیاس هاس اقتصادی و غیر اقتصادی و هم مولفه‌های کیفی را در نظر آورد؛ که نمایانگر چگونگی سازماندهی کسب و کارها و نحوه‌ی فعالیت آن‌ها می‌باشد.

مریدت (۱۹۹۴) کسب و کارهای کوچک را بدین صورت تعریف نموده است: کسب و کار کوچک، شرکتی است که در آن یک یا دو نفر تمام تصمیمات را بدون مساعدت کارشناسان داخلی اتخاذ می‌کنند و مالکان این کسب و کارها دانش تخصصی در یک یا دو بخش عملیاتی مدیریت را دارند. با این توضیح، کسب و کارهای کوچک ضمن داشتن ویژگی‌های مشترک، با توجه به نحوه فعالیت به انواع گوناگونی تقسیم می‌گردند. مایکل دونگان (۲۰۰۲)، در کتاب خود با عنوان رشد و سودآوری، کسب و کارهای کوچک را به چهار دسته تقسیم کرده است.

کسب و کارهای نیمه خانگی (مادر پدري): این عبارت آمریکایی کاملاً جا افتاده است و اشاره به کسب و کارهای - کوچک و به بلوغ رسیده ای دارد که هیچ برنامه یا تمایلی برای رشد و گسترش ندارند. معمولاً برنامه توالی وراثتی وجود ندارد و با خروج و یا فوت صاحبان خود کاملاً تعطیل می‌شوند.

کسب و کارهای خانوادگی: در این نوع از شرکت‌ها بر خلاف حالت قبل برنامه توالی وراثتی پیش بینی شده است، و با کناره گیری صاحبان فعلی، کسب و کار به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

کسب و کارهای تازه راه اندازی شده (نوظهور).

کسب و کارهای اینترنتی: شرکت‌هایی که مدل کسب و کارشان تنها بر پایه اینترنت است. برخی عبارات استفاده شده برای توصیف این نوع از کسب و کارهای کوچک عبارتند از: B2B, Dotcom, Web و تجارت الکترونیک (کنعانی و همکاران، ۱۳۹۱).

ضرورت توسعه کسب و کارهای کوچک روستایی و جایگاه زنان در آن

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

روستا به عنوان بخش بزرگی از نظام اجتماعی و جمعیتی کشور که در آن تعداد کثیری از عوامل انسانی مولد سکونت دارند محسوب می شود. در روستاها عوامل و منابع ارزشمندی اعم از عوامل انسانی و منابع طبیعی و اقتصادی بعنوان ذخایر استراتژیک کشور وجود دارد که در پیشرفت جامعه نقش مهمی ایفا می کنند. نقش و اهمیت فرآورده‌ها و تولیدات روستایی در رفع نیازهای رو به تزاید جامعه در خور توجه می باشد نظیر تولید محصولات کشاورزی، زراعی و صنایع تبدیلی که نقش بی دلیل و منحصر بفرد است. برای جامعه اقتصادی ما بسیاری از دستاوردهای روستائیان نقش استراتژیک داشته و اهرم قابل اتکایی در پشتیبانی از نظام اقتصادی کشور در عرصه جهانی از طریق صادرات و ورود کالاهای ملی به بازارهای پر ظرفیت جهانی بوده، یعنی در حقیقت شناسه قدرت اقتصادی کشور در نزد جهانیان بوده است، فعال سازی ساکنان روستاها در ایران می تواند کمک شایان توجهی به تامین امنیت اجتماعی نموده و باعث کاهش حجم زیاد ناملایمات اجتماعی گشته و منجر به کاهش پدیده مهاجرت روستا- شهری شود. ایجاد و راه اندازی کسب و کارها مانند کسب و کارهای خانوادگی و گروهی در روستاها بدلیل وجود پیوندهای قوی اجتماعی و روحیه بالای مشارکت و تعاون در روستاها بالاتر از شهرهاست. روحیه کار و تلاش و مسئولیت پذیری و التزام و تعهد به پیشرفت در میان جمعیت روستایی بیشتر از شهرنشینان وجود دارد (طاهر خانی، ۱۳۸۰).

تمامی جوامع روستایی با معضل بیکاری به نوعی دست به گریبان هستند و ابعاد این معضل بخش های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را نیز متأثر ساخته است. این معضل بعنوان یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح می باشد. در حال حاضر ایجاد فرصت های شغلی جدید در مناطق روستایی کشور از اهمیت دوچندانی برخوردار است. زیرا علاوه بر آمار بالای بیکاری در روستاها (سالانه بالغ بر ۵۵۰ هزار نفر نیروی کار جدید به بازار کار روستاها عرضه می شود) (مرکز آمار ایران) کشور با معضل مهاجرت روستائیان به شهرها به خصوص به شهرهای بزرگ مواجه است که این امر خود پیامدهای منفی زیادی در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و امنیتی دارد. همچنین جوان گزین بودن و نخبه گزین بودن مهاجرت های روستایی از جمله عواملی است که فرآیند توسعه درون زا و روند بهبود شرایط زندگی در روستاها را مختل می سازد (قنبری و شاطری، ۱۳۹۲).

پیش شرط برطرف کردن این نقایص توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی روستاها از جمله زنان روستایی و برنامه ریزی برای برقراری مساوات و فقرزدایی است. بنابراین توجه به وضعیت زنان روستایی، تلاش برای شناسایی هر چه دقیق تر و ارزش گذاری فعالیت های آنان و رفع مسائل و موانع بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی از جمله الزامات در مسیر توسعه روستایی به شمار می آید. منطق توجیه کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیت های بالقوه منابع انسانی برای دستیابی به توسعه است (Mahmoodain, 2004). اهمیت موضوع زنان در ایران به ویژه مناطق روستایی از یک سو با محدودیت امکانات و منابع تولیدی و از سوی دیگر با رشد سریع جمعیت و انبوه بیکاران در فرآیند دستیابی به رشد و توسعه روستایی مواجه می باشد و زنان روستایی در تمامی مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دوشادوش مردان به فعالیت می پردازند به طور کلی، توسعه فرآیندی است چند بعدی و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

فرهنگی.... مشارکت زنان روستایی در این فرآیند، مشارکتی فعالانه و تأثیر گذار بوده است و مهمترین جنبه این مشارکت تا کنون بعد اقتصادی ان برای زنان روستایی بوده است (مرادی، ۱۳۹۰).

توانمند سازی زنان، ایجاد اشتغال و تنوع اقتصاد روستایی

در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۷ در شهر پکن، توانمند سازی به معنای قدرت بخشیدن به زنان در جهت تعیین کنش های زنان در زندگی، اقتدار در تصمیم گیری و دسترسی به منابع تعریف شده است. توانمندسازی زنان، که یکی از اهداف سیاست گذاری توسعه است، یکی از پیش شرط های دستیابی به توسعه پایدار نیز عنوان می شود (سعدی، ۱۳۹۲). توانمند سازی می تواند در حوزه های مختلف اتفاق بیفتد که البته یکی از مهم ترین آن ها حوزه مسائل اقتصادی است. فرایند توانمندسازی زنان در چهارچوب مباحث توسعه اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. تأمین نیازهای اساسی یکی از عوامل اصلی در بهبود کیفیت زندگی و توانمندی جامعه نیازمند است. واقعیت این است که اجرای طرح های درآمد زا، باعث احساس توانمند سازی در زنان می شود (عرب مازار و سعدی، ۱۳۸۴) خوداتکایی مالی زنان روستایی انگیزه آنان را برای اشتغال مؤثر و مفید افزایش می دهد، در نتیجه کارکردهای شغلی آنان در جهت خدمت به خانواده، اجتماع روستایی و جامعه شهری افزایش می یابد و بدین ترتیب این امر به طور مستقیم و غیرمستقیم به رشد اقتصادی جامعه کمک می کند (سعدی، ۱۳۹۲).

به علت بالا بودن نسبت نیروی کار زنان به زمین و فصلی بودن فعالیت های کشاورزی همواره یک نوع بیکاری پنهان در حین دوره فعالیت کشاورزی و یک نوع بیکاری فصلی در روستاها وجود دارد. راه اندازی کسب و کارهای کوچک راهبردی در جهت توانمند سازی زنان روستایی است؛ زیرا نخست منجر به ارتقای سطح درآمد زنان و افزایش توان اقتصادی آنان می شود و سپس می تواند عزت نفس آن ها را به دنبال داشته باشد. در حال حاضر، زنان در ایران در صدها کسب و کار کوچک مشغول فعالیتند. بر اساس داده های موجود مشاغل کوچکی چون قالیبافی، دامداری، خیاطی، گلدوزی و کارهای خدماتی بیش از سایر فعالیت ها با استقبال این افراد روبه رو شده اند. تسهیلات لازم برای توسعه و راه اندازی این کسب و کارها از سوی نهادهای رسمی و غیررسمی از جمله وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و معادن، وزارت تعاون، وزارت کار و امور اجتماعی، بانک کشاورزی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و مؤسسات خصوصی تأمین می شود (سعدی، ۱۳۹۲). بسیاری از اقتصاددانان توسعه و تحول معتقدند که ضرورت بخش خود اشتغالی قوی در یک اقتصاد نقش مهمی را در فرایند توسعه همه جانبه ایفاء می کند، صرفنظر از اینکه یک منبع درآمد و اشتغال برای ساکنین روستا باشد (Mohapatra et.al. 2007)

همچنین اکثر صاحب نظران توسعه روستایی معتقدند که «در استراتژی های توسعه روستایی، باید به متنوع سازی اقتصاد روستایی» توجه لازم شود. بنابراین با توجه به ویژگی های کارآفرینان و اهداف و نتایج کارآفرینی می توان ادعا کرد که کارآفرینی زنان با شناسایی فرصت های مختلف در زمینه های متفاوت و با ایجاد و توسعه بنگاه های کوچک و متوسط زمینه را برای متنوع سازی اقتصاد روستایی هموار می سازد. پس متنوع سازی اقتصاد روستایی هرگز با القا از بیرون محقق نمی شود

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

گر اینکه کارآفرینان محیط های روستایی خود فرصت‌ها و منابع بالقوه و بالفعل را بشناسد و با استفاده بهینه از آنها تنوع اشتغال و اقتصاد را برای محیط های روستایی به ارمغان بیاورند. از نقش کارآفرینان محلی در توسعه صنعتی و کسب و کارهای کوچک روستا اغلب چشم پوشی شده است. این طور استعدلال می شود که یک استراتژی برای توسعه صنعتی نیازمند بسیج پتانسیل های بومی برای محیط روستا یک مزیت نسبی فراهم می کند. پس با توجه به بحث های فوق زنان در محیط های روستایی می تواند با شناسایی فرصت های جدید و نوآوری در استفاده از منابع و فرصت های موجود زمینه برای رشد و شکوفایی فعالیت های متنوع فراهم آمده و این امر باعث ایجاد اشتغال مولد و پایدار در محیط های روستایی می گردد (قنبری و شاطری، ۱۳۹۲)

اشتغال زنان کارآفرین، در کارهای کوچک و افزایش سرمایه گذاری

از جمله موانع و مشکلات دیگر جوامع روستایی نبود سرمایه گذاری های مناسب در محیط های روستایی است. یکی از نظریه های توسعه اقتصادی، نوآوری را عامل کلیدی معرفی می کند که نه تنها در تولید محصول (یا خدمت رسانی) جدید در بازار، بلکه در جلب سرمایه گذاری در فعالیت های جدید نقش دارد؛ این سرمایه گذاری جدید به وجود آمده برای گسترش ظرفیت رشد (طرف عرضه) به کار می رود و مخارج جدید حاصل از آن صرف خروجی و ظرفیت جدید مصرف (طرف تقاضا) می شود (Hisrich et al, 2005). در واقع اشتغال زنان کارآفرین در کسب و کارهای کوچک می تواند مشکل کمبود سرمایه گذاری در محیط های روستایی را از طریق ایجاد فرصت های شغلی جدید، با جذب سرمایه های خصوصی، موسسات مالی و دولتی برطرف نماید. و به همین دلیل است که به اهمیت زنان در توسعه اقتصادی کشورها بیش از حد تاکید شده است.

بنابراین با توجه به نقش و اهمیت کارآفرینی زنان در شناسایی منابع و فرصت های جدید، کارآفرینان می تواند زمینه را برای جلب نظر مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی و جذب سرمایه های خصوصی و دولتی فراهم نمایند. و روستاییان خصوصاً زنان و جوانان به راحتی می توانند به اعتبارات مالی دست یابند.

برای توسعه اشتغال زنان در کسب کارهای موارد زیر پیشنهاد می شود:

تأسیس مراکز حرفه ای و شغلی برای فعالیت زنان؛

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی کشور، ارائه امکانات ویژه با نگرش جنسیتی برای بانوان؛

ارائه ی تسهیلات لازم برای دسترس آسان تر زنان به خدمات مالی؛

اهمیت دادن به کارآفرینی زنان و مشارکت آسان تر زنان به خدمات مالی؛

ارائه ی برنامه های آموزشی و کمک آموزشی برای گسترش کارآفرینی آنان؛

همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

حمایت قانونی از زنان و برنامه‌هایی مربوط به آنان با تأکید بر جنسیت.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که یکی از مباحث اساسی توسعه روستایی از طریق صنعتی شدن روستا توجه به ایجاد صنایع کوچک مقیاس روستایی است. بر اساس این دیدگاه صنایع کوچک مقیاس روستایی با بسیاری از مسائلی که گریبانگیر شهرهای بزرگ در حال توسعه است، مواجه نیستند. به واسطه وجود این مزیت برجسته برخی از کشورها زمینه‌های حفظ و جذب مردم به مناطق روستایی و نواحی کمتر توسعه یافته را از طریق گسترش فعالیت‌های اقتصادی از جمله فعالیتها صنعتی در این مناطق می‌دانند. زنان به عنوان عضو فعال و تأثیرگذار در جامعه و از جمله جامعه روستایی می‌باشند که با داشتن دیدی خلاق و برخوردار از مهارت‌های بالا به عنوان نان‌آور خانواده و عامل اصلی تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی در چرخه اقتصاد خانواده و جامعه دارند و در جامعه اسلامی وجود و حضور آنها حتی در تمامی دستاوردهای پیشرفته امروزی مانند تجارت الکترونیک، فناوری اطلاعات، راه‌اندازی و اداره یک واحد اقتصادی فعال از جمله بنگاه‌های کوچک در روستاها نباید نادیده گرفته شود.

این بنگاه‌های کوچک قادرند ضمن ایجاد ارزش افزوده و اشتغال، زمینه مناسبی جهت افزایش ارزش محصول ناخالص داخلی ایجاد نمایند. از آنجا که مناطق روستایی به دلیل وجود منابع غنی اولیه و نیروی کار از جمله زنان از شرایط ویژه‌ای برخوردار هستند بی‌تردید ایجاد صنایع کوچک مقیاس و استفاده از خلاقیت زنان روستایی در این مناطق نقش اساسی در توسعه محلی، منطقه‌ای و ملی برجای گذارد.

منابع:

۱. راثو، آردی (۱۳۶۶). *صنایع کوچک و اقتصاد در حال توسعه هندوستان، ترجمه مدیریت صنایع روستایی، استان فارس- شیراز، انتشارات کمیته صنایع روستایی جهاد سازندگی استان فارس.*
۲. رحمان سرشت، حسین؛ کاظمی، حمید. (۱۳۸۹). *الگوی رابطه عوامل موثر در استفاده کارآمد از فناوری اطلاعات در شرکت‌های کوچک متوسط ایران: کاربرد روش دلفی.* فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ۵۰۵-۵۲۸
۳. رضوانی، محمد رضا. (۱۳۸۳). *مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، نشر قومس.*
۴. سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان. (۱۳۸۰). *شورای عالی اطلاع رسانی، مجموعه مقالات همایش نقش فن آوری اطلاعات در اشتغال، تهران.*
۵. سعدی، حشمت اله. (۱۳۹۲). *نقش کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار روستایی در استان همدان، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۲۷۱-۲۸۲.*
۶. صباغ کرمانی، مجید. (۱۳۸۰). *اقتصاد منطقه ای، تئوری ها و مدل ها. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سمت.*
۷. طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۱). *صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵، صص ۱۶۸-۱۵۱.*
۸. عرب مازار، عباس و حشمت اله سعدی. (۱۳۸۴). *بررسی جایگاه بانک کشاورزی در حمایت از زنان سرپرست خانوار روستایی.* فصلنامه پژوهشی بانک کشاورزی شماره سوم، صص ۲۸-۴
۹. علیدوستی، سیروس. (۱۳۸۹). *عوامل موثر بر توسعه فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی در شرکت های کوچک و متوسط.* فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات.
۱۰. قنبری، الهام و شاطری، مفید. (۱۳۹۲). *کارآفرینی زنان و نقش آن در توسعه روستاها، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار، همدان.*
۱۱. کلانتری، خلیل. (۱۳۷۸). *تجربه کشورهای در حال توسعه در صنایع کوچک، ماهنامه جهاد، شماره ۱۸۸.*
۱۲. کنعانی، انسیه؛ ملاحسنی، علی و فرقانی محمد علی. (۱۳۹۱). *بررسی تاثیر رویکرد کارآفرینانه و مدیریت کارآفرینانه بر عملکرد کسب و کارهای کوچک، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان*
۱۳. مطیع، ناهید. (۱۳۷۸). *فرصتهای کودکان در خانواده های با سرپرست زن، مجله مطالعات زنان شماره ۵۵*
۱۴. ملکی نژاد، امیر. (۱۳۸۵). *تحلیلی بر نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی.* فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۸، زمستان، ص ۱۴۱.
15. Chun, R.J. (1998). A quick guide for women and minority entrepreneurs. *Entrepreneur: 25.*
16. Haggblade, S. & P. Hazell, & T. Reardon (2009). "Transforming the rural nonfarm economy: Opportunities and threats in the developing world," Issue briefs 58, *International Food Policy Research Institute*
17. Hisrich-Robert,d.,PetersM.P.and shepherd,D.,2005.*Entrenepreneship,sixthedition, Published by Mc Graw-Hill/Irwin. New Yotk, America.*
18. Hung HF., HP. Kao (2007).*Evaluation of design alternatives in collaborative development and production of modular products. J. Adv. Manuf. Technol., 33(11-12): 1065-1076.*

19. Karpak, B., Topcu, I., (2010). *Small medium manufacturing enterprises in Turkey: an analytic network process framework for prioritizing factors affecting success. International Journal of Production Economics* 125, 60–70.
20. Kaynak, E., Tatogol, E., and Kula, V. (2005). *An analysis of the affecting the adoption of electronic commerce by SMEs . International Marketing Review* 22(6):623-640.
21. Meredith, G. G. (1994). *Small business management in Australia(4thed)*. McGraw Hill.
22. Mohapatra, S & et al (2007). *The Rise of Self-Employment in Rural China: Development or Distress, World development. Volume 35, issue 1, pages 163-181*
23. Paul, S., Whittam, G., Wyper, J., (2007). *The pecking order hypothesis: does it apply to start-up firms? Journal of Small Business and Enterprise Development* 14 (1), 8–21
24. Robbins & Stephen P. (1997). *Managing Today*, McGraw – Hill, P. 9.
25. Sarosa, S. (2007). *The information technology adoption process within Indonesian small and medium enterprises. University of Technology, Sydney.*
26. SBA (2012). *Small Business Administration (SBA) Size Standards Office. <http://www.sba.gov/about-offices-content/1/2897>*

Abstrac

Women constitute half of the world population and far from the key role they played in their communities. Including the century-old gardens and crops in the operation of small businesses considered one of the women who played important roles in the household economy. The ideal environment for the growth of rural non-agricultural sector and the manufacturing and service companies are known. This topic is indeed a natural resource-based businesses are moving towards a knowledge-based businesses and jobs to return soon. From the perspective of rural development experts, organizing small businesses and strategies for empowering rural people, especially poor women to return soon. studies aimed at Iran has hundreds of small businesses to the economic development of women has been launched. This is going to increase employment opportunities for women outside the family is generally seen as a positive point of view of economic development, because income from wage employment and living standards of working people increases. The results of this study showed that of Iranian women, rural women are the first group of small businesses have embraced.

Key words: women, small business, economics, rural development